

ناگهان شیلنگ بنزین خودرو آتش گرفت...



گفت و گو با پلیس قهرمانی که چند شب مانده به سال تحویل با دست‌هایش مانع حرکت یک خودروی آتش گرفته شد و جان ۸۰ نفر را نجات داد



مجید حسین زاده روزنامه نگار	
	
پرونده	
<div>او مثل همه ما برای شروع سال جدید ، برنامه ریزی کرده بود تا لحظات خوب و خوشی را برای خودش و خانواده اش فراهم کند . فقط سه روز تا شروع سال ۱۴۰۰ مانده بود که سرهنگ دوم «امین رضاپناه» با ید در کسری از ثانیه تصمیم می گرفت با به خطر انداختن جان‌ش مانع یک فاجعه شود یا همچون بسیاری از افراد دیگر حاضر در آن صحنه آتش سوزی از کنار ماجرا بگذرد یا به فیلم برداری از آن اتفاق با گوشی اکتفا کند ۱روز بیست و هفتم اسفند در شهر تهران یک خودروی وانت پیکان در محدوده میدان شهید تهرانی مقدم ، ناگهان دچار آتش سوزی شد و در آستانه انفجار بود که در مسیر سراسیمه‌ی به سمت یک ایستگاه تاکسی شروع به حرکت کرد و هیچ مانعی در برابرش قرار نداشت . سرهنگ «رضاپناه» با مشاهده این صحنه، خود را به دل آتش زده و با دو دست و با حایل کردن پا به عنوان تکیه گاه از ادامه حرکت این خودروی آتش گرفته جلوگیری و وانت را در محل متوقف کرد . در پرونده امروز زندگی سلام به سراغ اورفتیم تا بر ایمان از آن روز و اتفاقاتی که برایش افتاده، بگویید.</div>	

•ایثارگری را از پدر جانبازم یاد گرفتیم

امین رضاپناه، ۴۳ ساله، متولد خرم‌آباد در خانواده‌ای بزرگ شده است که پدر و مادرش هر دو فرهنگ‌ی بودند. او در این باره می‌گوید: «من فرزند مرحوم لطیف رضاپناه از معلمان و فرهنگیان قدیمی خرم‌آباد هستم. اولین معلم زندگی من پدر و مادرم بودند. پدر من خودش جانباز و ایثارگر بود، او برای من الگو بود و به ما یاد داد که به مسائل مردم بی تفاوت نباشیم. او همیشه به من می‌گفت: «اول مردم، بعد خانواده خودت و بعد خودت». من ایثارگری و جان برکف بودن را از پدر جانبازم یاد گرفتم.»

•آتش از داخل اتاق خودرو شروع شد

از سرهنگ «رضاپناه» می‌خواهیم که درباره آن روز و فاجعه‌ای که ممکن بود رخ بدهد برای مان بگویید: «روز بیست و هفتم اسفندماه سال گذشته ساعت ۳:۰۶ بعدازظهر بود. من مسئول ادارتصادفات و مهندسی ترافیک منطقه ۲ پلیس راهور تهران بزرگ هستم و ماموریتی به من در اطراف میدان شهید تهرانی مقدم محول شد. در حال عبور از کنار این میدان بودم که راننده‌ای را دیدم که فریاد می‌زد به دادم رسید، خودرویم آتش گرفته. زیر جعبه دنده و دسته ترمز دستی، آتش شعله‌ور شده بود و هر لحظه داشت بیشتر می‌شد. با استفاده از کیسولی که در خودروی سازمانی مان است، شروع کردم به خاموش کردن آتش اما حجم آتش زیاد بود. شروع کردم به فریاد زدن تا از مردمی که کیسول در خودرویشان دارند، کمک بگیرم. ۵ یا ۶ کیسولی به دستم رسید و آتش داخل خودرو کنترل شد و می‌خواستم دست از تلاش بکشم که ناگهان یک نفر داد زد که جناب سرهنگ، زیر خودرو نگاه کن. به محض این که خم شدم، دیدم که زیر خودرو آتش گرفته است.»

•ناگهان خودرو شروع به حرکت کرد

«حجم آتش به حدی بود که دیگر این کیسول‌های کوچک جوابگوی خاموش کردن آن نبود.» سرهنگ رضاپناه با این مقدمه ادامه می‌دهد: «یک مجتمع تجاری در آن نزدیکی بود که کیسول‌های بزرگ‌تری داشت. تا آن کیسول‌های به نسبت بزرگ‌تر به دستم رسید، متوجه شدم که شیلنگ بنزین خودرو هم آتش گرفته و هر لحظه ممکن بود به باک خودرو برسد و فاجعه‌ای رخ دهد. هر چه بیشتر تلاش می‌کردم تا آتش را خاموش کنم، آتش بیشتر زبانه می‌کشید و تقریباً ارتفاعش به ۲ یا ۳ متری رسید. در این لحظات، ناگهان خودروی در حال سوختن در مسیر سراسیمه‌ی به سمت پیدامرو شروع به حرکت کرد. ترمز خودرو به خاطر حجم شعله‌از کار افتاده بود و خودرو به سمتی حرکت می‌کرد که حداقل ۷۰ یا ۸۰ نفر در آن جا ایستاده بودند.»

•با دست‌هایم جلوی حرکت خودرو را گرفتم

او با این توضیح که حالت هندسی این میدان به صورتی است که شیب زیادی دارد و تقریباً این منطقه در کوهپایه‌های تهران قرار دارد، می‌افزاید: «ضلع جنوبی میدان که خودرو به سمت آن جادر حال حرکت بود، ایستگاه تاکسی است. در کسری از ثانیه به ذهنم رسید که اگر این خودروی آتش گرفته به آن‌جا برسد، در آستانه شب عید ممکن است خانواده‌های زیادی را داغدار شوند یا حداقل اتفاق تلخی برایشان بیفتد. البته ممکن بود هم که این خودرو از کنار ایستگاه تاکسی بگذرد و به مسیرش ادامه بدهد، بعدش هم در خیابانی با شیب زیاد قرار می‌گرفت که چون اکسیژن بیشتری به آن می‌رسید، آتش شعله‌ورتر می‌شد و انفجار بزرگ‌تری رخ

می‌داد و احتمال تصادف زنجیره‌ای هم بالا بود. تمام این احتمالات در کسری از ثانیه از ذهنم گذشت و تصمیم گرفتم که با دست خالی و هر طور شده، جلوی حرکت این خودرو را که آتش زیادی از آن زبانه می‌کشید، بگیرم. بنابراین دست‌هایم را گرفت‌م جلوی کاپوت خودرو که به شدت داغ شده بود. شدت سوختن کف دستم به حدی بود که تصمیم گرفتم تا مچ دست‌هایم را مانع حرکت خودرو کنم اما این کار هم فقط برای ثانیه‌هایی گره‌گشا بود چون حجم آتش واقعا زیاد بود. کاپشن سازمانی که تنم بود هم شروع به سوختن کرد و در این بین، دادمی زدم که چیزی بیاورد تا ببیند از یم جلوی لاستیک خودرو و آن را متوقف کنیم. به محض این که احساس سوختگی در دستم غیر قابل تحمل شد، سریع خودم را به عقب خودرو رساندم که حجم شعله آتش یک مقداری کمتر بود و در پشت وانت را گرفت‌م تا خودرو از حرکت بایستد و مانع حرکتش شوم. بعدش هم با کمک مردم و یک بلو که و یک لاستیک زاپاس، جلوی حرکت خودرو گرفته شد.»



•هنوز هر ۲ دستم پانسمان است

با این که نزدیک به ۱۵ روز از این اتفاق گذشته اما هنوز دست‌های سرهنگ رضاپناه در پانسمان است. او در این باره می‌گوید: «سوختگی هر دو دستم درجه دو است و هنوز هر دویشان پانسمان است. البته سوختگی دست‌هایم نسبت به روزهای پایانی سال کمی بهتر شده است اما همچنان با عوارض آن درگیر هستم. دقیقاً نمی‌دانم ولی بعد از متوقف کردن خودرو هم ۱۰ تا ۱۲ دقیقه طول کشید تا آتش نشانی رسید و خودرو به طور کامل اطفای حریق شد.»

•از مردم توقع کمک نداشتم اما ...

سرهنگ رضاپناه با تاکید بر این موضوع که متأسفانه این روزها به خاطر گوشی‌های هوشمند، دست همه افراد دور بین هست و به جای کمک کردن در چنین مواقعی شروع می‌کنند به فیلم برداری، می‌افزاید: «من شخصا از مردم تشکر می‌کنم چون توقعی نداشتم از مردم عادی که در آن شرایط به کمک بیایند. هر چند فیلم‌هایش هم هست و بعضی دوستان می‌گویند که اگر افراد

به جای فیلم برداری به کمکم می‌آمدند، یا آتش زودتر مهار می‌شد یا نیازی نبود که من با دست‌هایم، خودروی آتش گرفته را متوقف کنم اما من به مردم حق می‌دهم چون شعله آتش خیلی زیاد بود و هر لحظه امکان انفجار خودرو وجود داشت. شما می‌دانید که با کیسول‌های آتش‌نشانی کوچکی که در دسترس من بودند نمی‌توان از فاصله ۴ متری جسم آتش گرفته استفاده کرد، حتما باید نهایتاً در فاصله نیم‌متری با آتش برای خاموش کردن آن تلاش کرد بنابراین به نظر من مردم حق داشتند که خیلی جلونیابند. در ضمن و بعد از این اتفاق بعضی از مردم به جلوی درواحدرمانی که برای درمان سوختگی مراجعه کرده‌بودم، آمده بودند تا از من تشکر کنند و خیلی خوشحال شدم.»

•خدا را شکر که عیدم این‌گونه سپری شد

تعارفاً کنار می‌گذارم و به او می‌گویم که به نظر می‌عید امسال تان با این تصمیم خراب شد. او می‌گوید: «این اولین بار نیست که عید نوروز را به خدمت برای مردم اختصاص می‌دهم. ایام نوروز دو سال پیش برای کمک به هموطنانم در ماجرای سیل لرستان، مرخصی گرفتم و به آن جارقتم و تعطیلات نوروزی هم در آن جابودم. من برای کمک به هموطنان در زلزله کرمانشاه... هم مرخصی گرفتم تا بروم در آن‌جا چون احساس کردم که باید بروم آن‌جا تا به مردم خدمت کنم. خدا را شکر که نوروزم چندین سال است که با کمک به مردم سپری می‌شود. مضاف بر این که خدمت‌های پلیس به مردم عزیز تعطیلی ندارد و همچنین زمانی که تعطیلات شروع می‌شود، کار مضاعف پلیس شروع می‌شود به خصوص پلیس راهور.»

•همسرم بعد از دیدنم، گفت که به من افتخار می‌کند

«من یک دختر و یک پسر دارم و با این تصمیم، تعطیلات دختر و همسرم را هم تحت الشعاع قرار دادم.» سرهنگ با این مقدمه درباره واکنش خانواده‌اش بعد از این که متوجه این ماجرا شدند، می‌گوید: «همسرم بعد از این که من را دید و متوجه ماجرا شد، فقط یک جمله به من گفت که خیلی برابرم ارزشمند بود. او گفت: من به تو افتخار می‌کنم، در همین حد.» او در پایان می‌افزاید: «من در لحظه آخری که تصمیم گرفتم با دستام جلوی آن خودرو را بگیرم، فقط به یاد مادرم افتادم و با خودم گفتم که اگر اتفاقی برای من بیفتد، مادرم با مسئله چطور کنار خواهد آمد؟ بعدش چشم‌هایم را بستم و گفتم با شناختی که از مادرم دارم، اگر اتفاقی برای من بیفتد قطعاً به من افتخار خواهد کرد که جانم را سیر بلای مردم کردم. حالا هم از مادرم متشکرم و امیدوارم به من افتخار کند. این را هم بگویم فامیل من رضاپناه است و پدر بزرگم درباره دلیل انتخاب این نام خانوادگی برای ما گفته که من هر تصمیمی که می‌خواستم در زندگی بگیرم به امام رضا(ع) پناه می‌بردم بنابراین فامیل ما شده است رضاپناه. امیدوارم خداوند به برکت ایشان تمام مشکلات این مردم عزیز را برطرف کند و سال خوب و خوشی را برای همه هموطنانم آرزو می‌کنم.»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه • ۱۴ فروردین ۱۴۰۰
۲۰ شعبان ۱۴۴۲ • ۳ آوریل ۲۰۲۱
شماره ۲۰۶۳۵

۱۸۴۵

یک فوتبال کاملاً متفاوت

گفت و گو با دکتر «علی قاسمی» مخترع بازی توبی توری «لوتوپ»

که اولین بازی با تور متحرک در دنیاست

صادق جهانی | روزنامه نگار

دکتر علی قاسمی، پزشک ۵۹ ساله محمودآبادی به ایده پزرگ و جرقه ذهنی‌اش یعنی ساخت یک بازی توبی-توری جامه عمل پوشانده و بازی به نام «لوتوپ» را طراحی کرده است که خودش مدعی شده حتی مسئولان ورزشی انگلیس و سوئد برای سرمایه‌گذاری روی آن سرو دست می‌شکنند و با دعوت از وی خواستار ثبت این بازی در کشورشان شده‌اند. در پرونده امروز زندگی سلام به سراغ اورفتیم و درباره «لوتوپ» و کمپو کیف آن بیشتر صحبت کردیم.

•این بازی ۲ گیم ۵ دقیقه‌ای دارد

قاسمی درباره کمپو کیف بازی و نحوه اجرای لوتوپ می‌گوید: «این بازی در یک باکس ۶ در ۱۲ متر و در ارتفاع ۳ متر انجام می‌شود. پوشش اطرافش می‌تواند فنس، تور، شیشه‌های گرانبه و ... باشد. در مجموع باید در برابر ضرب توپ مقاوم باشد. وسط زمین تور متحرکی هست که در کف زمین قرار دارد و با شروع بازی آرام‌آرام به سمت بالا می‌آید و در مدت ۴ دقیقه به ۳۰ سانتی سقف می‌رسد. آن ۳۰ سانت را هم برای آن گذاشتیم که بازیکنان با تکنیک‌هایشان، در یک دقیقه بعدی بتوانند توپ را از آن فضا عبور دهند و به زمین حریف بفرستند. بازی دو گیم ۵ دقیقه‌ای دارد که بازیکنان توپ‌ها را به سمت یکدیگر هدایت می‌کنند. مسابقه دو داور و هر بازیکن هم پنج توپ دارد. هدایت توپ مانند فوتبال با همه اعضای بدن به جز دست است و با اصابت توپ به دست یک امتیاز از بازیکن کم می‌شود. در پایان پنج دقیقه، حریفی برنده است که تعداد توپ‌های کمتری

در زمین‌اش باشد و به عبارتی توپ‌های خودش و حریفش را به زمین مقابل انداخته باشد. یعنی آن قدر تبادل توبی ادامه دارد تا زمان تمام شود. اگر در پایان بازی هر ۱۰ تا توپ در زمین یک حریف قرار داشته باشد، شخص مقابل بازنده می‌شود و بازی به پایان می‌رسد. این را هم بگویم در پایان اگر نتیجه مساوی شود، بازنده کسی است که در طول بازی خطای بیشتری داشته باشد.»

•لوتوپ، اولین بازی با تور متحرک در دنیاست

قاسمی به ماجرای جرقه ناگهانی ساخت بازی لوتوپ در ذهنش این‌طور اشاره می‌کند: «یکی از شب‌های سرد زمستان، پسر سه ساله ما پافشاری کرد که باید برای تفریح بیرون برویم. از طرفی هوا خیلی سرد بود و هر کاری که کردم منصرف نشد. بعد از بیرون آمدن، پسرم متوجه سردی هوا شد و دنبال بهانه‌ای برای بازگشت به خانه بود. کنار خیابان یک وانت پر از گونی‌های توپ بود و من هم یک گونی توپ خریدم. به پسرم گفتم توپ‌ها را داخل پذیرایی می‌ریزیم و شمای توپ‌ها را به سمت من بفرست و من هم به سمت شما و هر کس که توپ‌هایش زودتر تمام شد برنده است. وسط بازی بود که چند بالش آورد و بین خودش و من گذاشت و این جرقه‌ای شد تا یک بازی در ذهنم شکل بگیرد که برای اولین بار در دنیا از تور متحرک در آن استفاده کنم، چون تمام توپ‌های ورزشی دنیا ثابت است.»

•سوئد و انگلیس پیگیر سرمایه‌گذاری روی لوتوپ هستند

«دو دعوت‌نامه از کشورهای انگلیس و سوئد داشتم»، مخترع بازی لوتوپ با این مقدمه درباره استقبال مسئولان خارجی این دو کشور از بازی‌اش می‌گوید: «سال ۹۷ یک دعوت‌نامه از سوئد و یکی هم از انگلیس برایم ارسال شد. قبل از این که به سوئد سفر کنم، مسئولان اداره کل ورزش استان مازندران گفتند که بازی‌ات را جای دیگری ببر و خودمان حمایت می‌کنیم. گفتم بلیت که دارم، حداقل بروم صحبت‌هایشان را بشنوم. سوئدی‌ها گفتند منافعش مال شما، ولی سیاست‌گذاری لوتوپ با ما. البته من به خاطر قولم به اداره ورزش مازندران خیلی راغب نبودم به آن‌ها و اگذار کنم. در جلسه‌ام با مسئولان ورزش همگانی سر در نیاوردم که دنبال چه چیزی هستند. برای کارشناسان توضیح دادم که لوتوپ بسیار مهیج و ارزان، برای همه سنین مناسب و مدت زمان اجرایش کوتاه است و قابلیت اجرادر مدارس، دانشگاه‌ها، پارک‌ها و ... دارد. یادام است همان‌جا که دعوت‌نامه سوئد را به یکی از کارشناسان نشان دادم، گفت: برو همان‌جا اجرایش کن! گفتم بازی‌است که قابلیت جهانی شدن دارد و می‌توانیم با سرمایه‌گذاری روی آن گردشگری ورزشی را هم در کشور ایجاد کنیم که به نفع اقتصاد کشور است. الان کارم در فراسیون ورزش‌های همگانی گره خورده است.»

•لوتوپ به درد همه ورزشکاران می‌خورد

«چون لوتوپ یک ورزش بی‌هوازی است، برای پیشگیری از بیماری‌های قلب و عروق بسیار عالی و مفید است» پزشک‌مازندرانی با این مقدمه سلامت‌محور اضافه می‌کند: «لوتوپ برای پیشگیری از بیماری‌دبابت هم بسیار عالی است و اگر فردی به دبابت مبتلا باشد می‌تواند با این ورزش بیماری‌اش را به راحتی کنترل کند. از طرف دیگر به عنوان یک پیش‌بازی برای انجام بازی‌های دیگر هم محسوب می‌شود و به عبارتی می‌تواند مادر رشته‌های ورزشی شود. من چهار شاخص تکنیک، تمرکز، سرعت و دقت را برای این بازی تعریف کردم و بازیکنان با دقت و سرعتی که به خرج می‌دهند، برای انجام بازی‌هایی همچون فوتبال، والیبال، بسکتبال و ... هم موفق می‌شوند. یعنی نوجوانان و جوانان می‌توانند از آموزه‌های این رشته در فوتبال و ... استفاده زیادی کنند. به لحاظ تنفسی برای ورزشکاران رشته‌های دیگر هم بسیار کمک‌کننده است.»

